بررسی مقالهٔ نوح علیه‌السلام در دائرة‌المعارف قرآن لیدن

حسن رضایی هفتادر*

مرتضی ولیزاده**

چکیده: پژوهش حاضر بـه مـعرّفی و نـقد مـقالهٔ نـوح (Noah) در دائرة المـعارف قـرآن (Encyclopaedia of the Quran)مـی‌پردازد. ویلیام برینر(William Brinner) نویسندهٔ مـقاله، در آن بـه بـررسی جایگاه حضرت نوح علیه‌السلام در قرآن، کتاب مقدس، قصص‌الانبیاء و ادیان ابراهیمی پرداخته است. مقالهٔ یاد شده، نکات مثبتی دارد، امّا برخی از مطالب مطرح شده در آن قابل نقد است. موارد نقدپذیر عبارت‌اند از: تکرار نام نوح علیه‌السلام در قرآن، مروری بر سورهٔ نوح، نامشروع بودن فرزند نوح، روزهٔ روز عاشورا و نجات عوج غول پیکر.

کلید واژه‌ها: ویلیام برینر، نوح، قرآن، کتاب مقدّس، قصص الانبیاء.

---

* استادیار دانشگاه تهران . Email: Hrezaii@ut.ac.ir

**. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

طرح مسئله

خـاورشناسان حـاصل پـژوهشهای خـود دربـارهٔ قـرآن را در قـالب کـتابها و دائرة المعارف‌ها به جهان علم عرضه کرده‌اند. شناخت این آثار و آراء آنان در این زمینه، ضرورتی انکـارناپذیر است. لزوم شـناخت درست قـرآن‌پـژوهی امـروز در غرب، وقتی دوچندان می‌شود که به یاد آوریم عالمان مسلمان درگذشته، خود را همواره به پاسخگویی انتقادها و اعـتراضـهای یـهود و نـصارا مـلزم مـی‌دانسـتند؛ چنان‌که امامان بزرگوار شیعه از جمله: امام صادق و امـام رضـا علیهما السلام از پـیشگامان مناظره با مخالفان اسلام بودند. آنان شبهات و سؤالات اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند. به همین منظور، پژوهش حاضر به معرّفی و نقد مقالهٔ «نـوح» در دائـرة المعارف قرآن می‌پردازد.

۱. ویلیام ام. برینر (William Brinner)

در آغاز برای آشنایی با نویسندهٔ مقاله اطّـلاعاتی دربـارهٔ زنـدگینامهٔ عـلمی او عرضه می‌شود.

۱ـ۱) زیست شناخت

ویلیام ام. برینر در سال ۱۹۲۴ دیده به جهان گشود. او اهل شهر سانفرانسـیسکو امریکا بود و در دانشگاه کالیفرنیا تحصیل کرد. وی اسـتاد گـروه مـطالعات خـاور نزدیک دانشگاه مذکور بود. از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۱ که بـازنشست شـد، عـربی و مطالعات اسلامی را در دانشگاه کالیفرنیا تدریس می‌کرد. برینر از سال ۱۹۵۰ چند سالی را در خاورمیانه گذراند و در آنجا به پژوهش، تدریس و مدیریت برنامه‌های علمی مختلف پرداخت. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ مدیر مرکز مطالعات عربی خارج از کشور بود. او رشتهٔ مطالعات عربی را در دانشگاه امریکایی قاهره تأسیس کرد. برینر در خـلال سـالهای ۱۹۹۲ تـا ۱۹۹۳ مـدیر مـوقّت مـؤسسهٔ پـژوهشی انـنبرگ (Annenberg) در فیلادلفیا بود و در دانشگاههای هاروارد، جانز هاپکنز، Johns)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

(Hopkins دانشگاه واشنگتن و سه دانشگاه از دانشگاه‌های اسرائیل به عنوان استاد خدمت کرد. او به عنوان تحلیلگر حوزهٔ تحوّلات سیاسی معاصر در خاورمیانه، در رادیو و تلویزیون و چند نشریّه فعال بود. برینر نه تنها در سطح کشورش، بلکه در عرصهٔ بین المللی، در انجمنهای علمی مختلف فعّالانه کار می‌کرد. وی در سال ۲۰۱۱ چشم از جهان فروبست.

۱ـ۲) آثار

برینر دربارهٔ ادبیات عرب در دوران معاصر، تاریخ اسلام و دین در قرون وسطی، و تعامل فرهنگی میان اسلام و یهود، آثاری را به طور مبسوط به رشتهٔ تحریر درآورده است. اینک مهم‌ترین آثار وی:

ـ کتاب:

_ ***Lives of the Prophets***,(Leiden; Boston: Brill, 2002);

ـ قصص الانبیاء (این اثر ترجمهٔ عرائس‌المجالس فی قصص الانبیاء ثعلبی است که همراه با حواشی برینر چاپ شده است.)

_ ***The children of Israel***, (Albany: State Univesity of New York Press, 1991);

ـ بنی اسرائیل (این کتاب ترجمهٔ تاریخ الرسل و الملوک طبری بوده که همراه با توضیحات برینر انتشار یافته است.)

ـ مقاله:

_ « Ararat», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2001);

ـ « [کوه] آرارات»

ـ«An Islamic decalogue» , Studies in Islamic and Judaic traditions, (Atlanta 1986, 67_84);

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

ـ «احکام عشرهٔ اسلامی»

_ «Election», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2002);

د ـ «انتخاب»

_ «Harut ans Marut», Encyclopaekia of the Quran, (Leiden, Brill, 2002);

ـ «هاروت و ماروت»

_«Judi», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2003);

ـ « [کوه] جودی»

_ «Noah», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2003);

ـ «نوح»

_«People of the Heights», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2004);

ـ «اصحاب اعراف»

_ «Tuwa», Encyclopaedia of the Quran, (Leiden, Brill, 2006);

- «طُـــــوی»

(Brinner, «Ararat» , Vol.1, PP.146_147; id. «Election» , Vol.2, PP.11_12; id., «Harut and Marut» , Vol.2, pp.404_405; id., «Judi» , Vol. 2 PP.68_69; id., «Noah», Vol.3,PP. 5400_543; id., «People of the Heights» , Vol.4 PP.46_48; «Tuwa» , Vol.5, PP.395_396;Lewinstein, «Commandments», Vol.1, P.367)

۲ـ محتوای مقاله

۲ـ۱) نوح در قرآن

آقای برینر بیان می‌کند: آیهٔ ۳۳ سورهٔ آل عمران، نام نوح را در کنار آدم ، خاندان

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

ابراهیم و خاندان عمران، پدر موسی و هارون می‌آورد. بعضی از داستانهای قرآن تأکید می‌کند که بدگویی‌ها و بد رفتاریهایی که نوح متحمّل شد، در واقع، واکنش قوم به او بود؛ زیرا او مدام هشدار می‌داد که آنان به سبب اعمال بدشان، گرفتارعذاب الهی خواهند شد. در اینجا نوح، نخستین الگوی محمّد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله محسوب می‌گردد؛ زیرا متحمّل همان نفرتها و تهدیدات و صدمهٔ جسمی می‌شود که قرار بود پیامبر بعدها از جانب همشهریان مکّی‌اش متحمل شود. این موضوع آشکارا در آیات مختلف قرآن (ابراهیم/ ۹؛ حج/ ۴۲؛ ذاریات/ ۴۱ ـ ۶؛ قمر/ ۱۸،۲۳)، ذکر می‌گردد که نوح را به پیامبران قدیم، یعنی هود و صالح ربط می‌دهند و با گفتن این مطلب که «آنها نیز از قومشان تکذیب و بدگویی و بدرفتاری دیدند»، به محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله قوّت قلب می‌دهند (Brinner, «Noah»Vol.3, p.540)

۲ـ۲) نوح در کتاب مقدس

نویسنده می‌گوید: روایات یهود، نوح را مشتق از نحام عبری می‌دانند که به معنای «آسایش بخشید» است؛ امّا به گفتهٔ کسائی، نام نوح به معنای «نوحه کرد (برای قومش)» و مشتق از فعل ناح است. (Ibid,.p.543) داستان نوح در کتاب مقدّس که احتمالاً بازتاب داستانهای پیشین در خاور نزدیک باستان است، در ۱۰ـ۶ سفر پیدایش و متون یهودی متأخّر جای دارد. به نظر می‌رسد که برخی عناصر روایت قرآن، به برخی طول و تفصیلهای داستان کتاب مقدّس در تفاسیر عهدین پس از آن شبیه باشند که در آنها نوح در هیئت یک پیامبر و ناصح جلوه‌گر می‌شود، قومش به کشتی سازی او می‌خندند وکافرانِ خانواده‌اش با آب جوش عذاب می‌شوند. عنصر اخیر این داستان در نصّ قرآن و متون اسلامی متأخّر بازتاب می‌یابد، آنجا که طوفانِ فرستاده شده از جانب خداوند با تنّور (اجاق، کوره، آتشدان) آغاز می‌شود که آب جوشان از آن فوران می‌کند (هود/ ۴۰؛ مومنون/ ۲۷). آیهٔ ۴۴ سورهٔ هود بر خلاف روایت کتاب مقدس، نقل می‌کند که پس از طوفان، کشتی بر کوه جودی نشست نه کوههای

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

آرارات. (Ibid.,pp.540-541)

۲ـ۳) داستان نوح در قصص الانبیاء و جوامع حدیثی

اقای برینر اظهار می دارد: ابن‌سعد، دودمان نوح را از آدم تا لمک، پدر نوح، ذکر می‌کند و می افزاید: چون در آن روزگار هیچ کس نبود که از اعمال ممنوعه جلوگیری نماید، خداوند این عمل را بر نوح تکلیف کرد و نوح ۱۲۰ سال بی هیچ موفّقیّتی قومش را موعظه نمود و از خداوند دستور گرفت که در ششصد سالگی کشتی بسازد. (Ibid., p.541) برخی قصّه‌ها بر اساس آیهٔ ۴۳ سورهٔ هود، نقل می‌کنند که کنعان از ورود به کشتی سر پیچید و مدّعی شد که می‌تواند با صعود به قلّهٔ بلندترین کوه، خودش را از طوفان نجات دهد؛ امّا در سیلاب دمادم فزاینده هلاک شد. (Ibid.,)

بخاری (م ۲۵۶ / ۸۷۰) در صحیح خود، نقل می‌کند که وقتی قوم نوح در روز جزا به پیشگاه خداوند می‌رسند و از آنان پرسیده می‌شود که آیا نوح، پیام خداوند را به ایشان نرسانده بود، آنان می‌گویند که نوح چنین کاری نکرده است، ولی نوح پیشتر به خداوند گفته که این پیام را رسانده است. وقتی خداوند از نوح می‌پرسد که چه کسی گواه او در این قضیّه است، نوح پاسخ می دهد که محمّد ﷺ و اُمّتش گواه او خواهند بود. (Ibid.,)

مورّخ و مفسّر قرآن، طبری، در کتاب تاریخ خود کوشید تا شخصیّتهای کتاب مقدّس از قبیل نوح را بر فرمانروایان کهن و نیمه اسطوره‌ای ایرانی، منطبق کند. او اظهار می دارد که به ادّعای «برخی کسان»، نوح در دوران زمامداری پادشاه خبیث، بیوراسب، می‌زیسته که ضحّاک هم نامیده شده است. او اذعان می‌کند که ایرانیان با داستان طوفان نوح آشنا نبوده‌اند. طبری به عمر طولانی نوح نیز اشاره می‌کند و می‌گوید که نوح ۹۵۰ سال قومش را به سوی خداوند فراخواند، امّا هر زمان که نسلی از مردم در می‌گذشتند، نسل جدید به کفر می‌گراییدند. وی به داستان کتاب مقدس، از کلاغ و کبوتر که فرستادگان نوح بودند نیز اشاره می‌کند؛ داستانی که در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

قرآن یافت نمی‌شود.(Ibid., pp.541_542)

ثعلبی در عرائس‌المجالس می‌نویسد که نوح درختان ساج را کاشت تا پس از چهل سال آنها را قطع کند و در ساخت کشتی به کار برد. وی نقل می‌کند که در خلال آن سالها، نوح از دعوت قومش به خداوند دست برداشت و خدا زنان را سترون ساخت؛ چنان که در آن روزگار هیچ کودکی به دنیا نیامد. خداوند به نوح فرمود تا یک کشتی بسازد که «سرش چون سر خروس، میانه‌اش چون شکم پرنده و انتهایش خمیده چون دم پرنده» باشد.(Ibid., p.542)

قصّه‌های کسائی، داستان نوح را به سبک و سیاقی نقل می‌کند که به نظر می‌رسد بازتاب ادبیات عامیانه باشد. او از پادشاهی شرور سخن می‌گوید که از نوادگان بزرگ خنوخ پسر قابیل بود و بر سرزمین نوح حکم می‌راند. او خودکامه‌ای مقتدر و نخستین کسی بود که شراب نوشید، قمار کرد و بر تخت شاهی نشست. او و قومش بتها را می‌پرستیدند و نام‌های آنها به نامهای برخی از خدایان مشرکان که در قرآن ذکر شده، شباهت دارد. این کار باعث شد که نوح علیه‌السلام گوشهٔ عزلت گزیند تا آن زمان که خداوند به واسطهٔ جبرئیل، نوح را به پیامبری قومش مبعوث کرد.(Ibid.,)

طرفی اندلسی (م ۴۵۴/ ۱۰۶۲) در کتاب قصص خود، در فصل داستان نوح نقل می‌کند که بنابر آیهٔ ۱۴ سورهٔ عنکبوت، نوح ۹۵۰ سال عمر کرد، امّا در ادامه به برخی نویسندگان متقدّم اشاره می‌کند که سن فوق را صرفاً سن او به هنگام طوفان دانسته و به اشکال گوناگون، عمر واقعی او را از ۱۵۵۰ تا ۱۶۵۰ سال می‌دانند. وی همچنین گفت وگوهای بسیاری میان نوح و خداوند را ذکر می‌کند. (Ibid.,)

در برخی داستانهای قصص، گفته می‌شود که گنهکاران روزگار نوح که هشدارهای الهی او را تکذیب کردند، ثمرهٔ وصلت دودمان قابیل با دودمان شیث بودند. درنتیجه، خداوند به نوح فرمان داد که کشتی بسازد تا خود و دیگر مؤمنان را از طوفانی ایمن بدارد که خداوند با آن بقیهٔ نوع بشر را عقوبت خواهد کرد. در برخی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

روایات این داستان، نوح این کشتی را یک تنه ساخت (و از چوب درختانی استفاده کرد که خودش سالها قبل کاشته بود)، امّا در روایات دیگر، پسرانش به او کمک می‌کنند. مردمانِ قومش پیش گویی‌های وی از عذاب را تکذیب و او را مسخره و تهدید کردند؛ حتی برخی از آنها مثل همسر نوح، او را مجنون خواندند.(Ibid.,)

در مسند احمدبن حنبل (م ۲۴۱ / ۸۵۵) به نقل از پیامبر، وصیّت نوح به فرزندانش، مثلاً منع بت پرستی (شرک)، و غرور (کبر) ذکر شده است.(Ibid., p.543)

۲ـ۴) جایگاه نوح در ادیان ابراهیمی

به گفتهٔ نویسنده، در اسلام، نوح از انبیای بزرگ محسوب می شود؛ امّا در یهود و مسیحیّت، پیامبر به شمار نمی‌آید. (Ibid., p.540)

نوح در الهیات مسیحی، نماد انسانی عادل و نمونه‌ای از ایمان و تسلیم به خداوند است که الگوی مسیح محسوب می‌شود. عناصر داستان نوح، یعنی طوفان، کشتی و کبوتر، همگی در نمادگرایی مسیحی گنجانده می شوند. نوح در دین یهود، مرتبتی مابین آدم و ابراهیم دارد و انسانی درستکار و پاکدامن به شمار می‌آید که در راه خدا باقی ماند و از طوفان نجات یافت تا نیای نژاد جدید انسان باشد. میثاق خداوند با نوح (سفر پیدایش ۱۷ ـ ۹:۸)، به واسطهٔ حاخامها، به شکل فرمانهای نوح درآمد و بر همهٔ بشریّت واجب شد.(Ibid., p.543)

۳ـ نقد مقاله

مقالهٔ نوح دارای نکات مثبتی است. آقای برینر نقلهای روایات دربارهٔ داستان حضرت نوح را به خوبی گزارش کرده است؛ ولی وی در کنار اینها مطالبی را مطرح کرده که قابل نقد و بررسی است. بنگرید :

۳ـ۱) تکرار نام نوح علیه‌السلام در قرآن

نویسنده می‌گوید: نام نوح علیه‌السلام در ۲۶ سورهٔ قرآن ذکر شده است.(Ibid., p.540)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

۳ـ۱ـ۱) نقد

بررسی سوره‌های قرآن نشان می‌دهد که نام حضرت نوح علیه‌السلام در ۲۸ سورهٔ قرآن به کار رفته است. سوره‌هایی که نام نوح علیه‌السلام در آنها بیان شده، بدین قرارند: آل عمران/ ۳۳؛ نساء/ ۱۶۳؛ انعام/ ۸۴؛ اعراف/ ۵۹ و ۶۹؛ توبه/ ۷۰؛ یونس/ ۷۱؛ هود/۲۵، ۳۲، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۸و۸۶؛ ابراهیم/ ۹؛ إسراء/ ۳، ۱۷؛ مریم/ ۵۸؛ انبیاء/۷۶؛ حج/ ۴۲؛ مؤمنون/ ۲۳؛ فرقان/ ۳۷؛ شعراء/ ۱۰۵، ۱۰۶و۱۱۶؛ عنکبوت/ ۱۴؛ احزاب/ ۷؛ صافات/ ۷۵و۷۹؛ ص / ۱۲؛ غافر/ ۵، ۳۱؛ شوری/ ۱۳؛ ق/ ۱۲؛ ذاریات/ ۴۶؛ نجم/ ۵۲؛ قمر/ ۹؛ حدید/ ۲۶؛ تحریم/ ۱۰و نوح/ ۱، ۲۱و۲۶.

۳ـ۲) مروری بر سوره نوح

نویسنده اظهار می‌دارد: مندرجات سورهٔ ۷۱ قرآن که نام نوح را بر خود دارد، عمدتاً شرح گفته‌های او با خداوند است که چگونه وی قومش را به توبه از گناهانشان دعوت کرد و در عین حال که آنان را از عواقب عذاب الهی بیم می‌داد، حامل وعدهٔ پاداش خداوند به توبه کنندگان نیز بود. قوم نوح هشدارهای وی را نپذیرفتند و در عوض او را به پرستش خدایانشان فرا خواندند. این روایت، با وقوع طوفان و غرق شدن آنان در آب و افکنده شدنشان در آتش و درخواست نوح از خداوند برای باقی نگذاشتن هیچ کافری بر روی زمین، پایان می‌یابد. (Ibid.,)

۳ـ۲ـ۱) نقد

چنان که گذشت، آقای برینر بیان می‌کند که قوم نوح، هشدارهای وی رانپذیرفتند و در عوض او را به پرستش خدایانشان فرا خواندند. بررسی سوره نوح نشان می‌دهد که نویسنده، مطلب مذکور را از آیهٔ ﴿**وَ قَالُواْ لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَ لَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لَا سُوَاعًا وَ لَا يَغُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسْراً**﴾ (نوح(۷۱)/۲۳)، برداشت کرده است. این برداشت درست نیست؛ زیرا بنابر آیهٔ مذکور، رهبران قوم نوح، قوم خود را به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

بت‌پرستی دعوت کردند، نه حضرت نوح را؛ حال آنکه نویسنده به غلط، عنوان می‌کند که قوم نوح، آن حضرت را به بت پرستی دعوت کردند. (مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۸۲ ـ۸۳)

۳ـ۳) نامشروع بودن فرزند نوح

آقای برینر می‌نویسد: وقتی نوح از خداوند درخواست کرد به کنعان رحم کند، خداوند نپذیرفت و گفت که او ثمرهٔ فریب کاری همسرش بوده و از تبار او نبوده است. (Brinner, « Noah», «vol.3»,p.541)

۳ـ۳ـ۱) نقد

نویسنده نامشروع بودن فرزند نوح را از آیهٔ ﴿**قَالَ يا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ**﴾ (هود(۱۱)/۴۶)، به دست آورده است. اگر نامشروع بودن فرزند نوح درست بود، جا داشت قرآن بگوید: **(إنّه من عمل غیر صالح)**؛ *(یعنی او از نتیجهٔ فعل ناشایست زناست)*، حال آنکه این‌گونه تعبیر نکرده است. (ابوالفتوح رازی، ج ۱۰، ص ۲۷۷)

۲. روایات وارد شده از طریق شیعه و اهل سنّت نیز بر مجعول بودن این سخن تأکید می‌کنند؛ از جمله:

الف) امام رضا علیه‌السلام از گروهی از افراد پرسیدند: «مردم آیهٔ ﴿**إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ**﴾ (هود(۱۱) / ۴۶) را چگونه تفسیر می‌کنند؟» یکی از حاضران عرض کرد: «بعضی معتقدند که معنای آیه مذکور این است که فرزند نوح علیه‌السلام (کنعان)، فرزند حقیقی او نبود.» امام فرمودند: «نه، چنین نیست! او به راستی فرزند نوح بود؛ امّا هنگامی که گناه کرد و از مسیر اطاعت فرمان خدا قدم بیرون گذاشت، خداوند فرزندی او را نفی کرد.» (صدوق، عیون‌اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۳؛ مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۳؛ ج ۴۹، ص ۲۱؛ ج ۹۳، ص ۲۲۲).

ب) از ابن‌عبّاس نقل شده است: «هرگز همسر پیامبری به زنا آلوده نبوده است.»

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

(طبرسی، ج ۵، ص ۲۵۴؛ ابن‌کثیر، ج ۴، ص ۲۸۲؛ قرطبی، ج ۱۰، ص ۴۶)

۳. خداوند متعال ساحت انبیاء و خاندانشان را منزه از آن داشته تا از نظر امور منافی عفّت، مورد طعن و نکوهش دیگران قرارگیرند و از این جهت، انگشت‌نمای خاص و عام شوند؛ زیرا حکمت بالغهٔ الهی، ایجاب می‌کند که عوامل گرایش انسانها را به سمت فرستادگان خود مهیّا کند و هر نوع عامل نفرت‌انگیزی را که باعث پراکندگی مردم ازگرد وجود انبیاست، برطرف سازد. چه عامل تنفّرانگیزی زشت‌تر از این می‌توان یافت که بر فراش پیامبری، فرزندی نامشروع زاده شود و همسرش تن به امور منافی عفّت دهد؟!

۴. مخالفان حضرت نوح برای تحقیر وی، به زنا کار بودن همسرش استناد نجستند و او را به سبب این کار همسرش، ملامت نکردند. این امر دلیل برآن است که همسر نوح زنا نکرده؛ زیرا اگر چنین عملی واقع شده بود، مخالفان نوح آن را دستاویزی برای تحقیر وی قرار می‌دادند.

۵. تفسیر درست آیهٔ ﴿**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ**﴾ (هود(۱۱)/ ۴۶)، آن است که «اهل» از منظر قرآن کریم، همهٔ کسانی را شامل می‌شود که به نوعی، رنگ و بویی از پیشوا و بزرگ طایفهٔ خود داشته باشند؛ همان طورکه لفظ «صحابه»، برکسی اطلاق می‌شود که با مولا و مراد خود وجه شباهتی داشته و از خلق و خوی وی تاثیر پذیرفته باشد؛ وگرنه تنها قرابت نسبی و سببی کافی نیست. (معرفت، ص ۲۱۵)

خداوند متعال با بیان ﴿**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ**﴾، می‌خواهد نوح را بدین حقیقت واقف سازدکه فرزندش از نظر عمل وکردار، از راه و تعالیم وی فاصله گرفته است، هرچند از نظر خانوادگی به او منسوب می‌گردد. بنابراین، معنای آیه این می‌شود: *«ای نوح! فرزندت فرد ناشایسته‌ای است که بر اثر بریدن پیوند مکتبی‌اش از تو، پیوند خانوادگی‌اش به چیزی شمرده نمی‌شود.»* (مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۱۱۵؛ طبرسی، ج ۵، ص ۲۵۳)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

۳ـ۴) روزهٔ روز عاشورا

نویسنده بیان می‌کند: نوح در روز دهم محرّم(عاشورا)، از کشتی بیرون آمد، لذا این روز، هم برای انسانها و هم برای حیواناتی که شش ماه در کشتی بودند، به روز روزه‌داری بدل شد. (Brinner, « Noah », «vol.3»,p.541)

۳ـ۴ـ۱) نقد

وجوب یا استحباب روزهٔ روز عاشورا به عنوان یک عید از اعیاد اسلامی، از بدعتهای بنی‌امیّه و به سبب واقعهٔ کربلاست که ذریّه رسول خدا و اهل بیت علیهم‌السلام او را از بین بردند؛ مردانشان را به شهادت رساندند و زنان و ذراری ایشان را به اسارت بردند و اموالشان را غارت کردند و از خوشحالی و مسرّت، آن روز را مبارک شمردند و برای خود عید گرفتند و روزهٔ آن را تشریع کردند تا از روزه گرفتن آن روز، برکت بگیرند.

بنی‌امیّه برای روزهٔ آن روز، فضایلی جعل کردند و برکاتی تراشیدند و احادیثی ساختند به این مضمون که عاشورا یکی از اعیاد اسلامی، بلکه از اعیاد عامه‌ای است که حتی مشرکان جاهلیّت و یهود و نصارا هم از زمان بعثت موسی و عیسی آن را پاس می‌دارند. بنی‌امیّه به شکرانه کشتن امام حسین علیه‌السلام به روزه، بسنده نکردند و دستور دادند مساجدی را هم درست کنند (مطهّری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۰). از جملهٔ آن اخبار ساختگی این خبر است که است که از ابوهریره نقل کرده‌اند و ابن‌جوزی آن را ضمن احادیث جعلی آورده است:

> *خداوند در هر سال، روزهٔ یک روز را بر بنی‌اسرائیل واجب کرد و آن روز عاشورا بود که روز دهم محرّم است. پس شما نیز آن روز را روزه بگیرید و بر خانوادهٔ خود بخشش کنید. این روز را روزه بگیرید؛ زیرا این روز، روزی است که خداوند توبهٔ آدم را پذیرفت و در این روز ادریس را بالا برد و ابراهیم را از آتش نجات داد و این روزی است که نوح از کشتی خارج شد.*(ابن‌جوزی، ج ۲، ص ۲۰۰)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

نه یهود عاشورا را عید می‌دانستند و نه نصارا، و نـه مـردم جـاهلیّت و نـه مسلمانان؛ چون عاشورا نه یک روز ملّی بود تا نظیر نوروز و مهرگان، عید ملی و قومی بشود و نه واقعه‌ای از قبیل پیروزی برای ملّت اسـلام اتّـفاق افتاده بود، تا نظیر مبعث و مـیلاد رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روزی تـاریخی بـرای مسلمانان باشد. هیچ جهت دینی هم ندارد تا نظیر فطر و قربان، عیدی دینی باشد. پس عزّت و احترامی که بنی‌امیّه برای عاشورا درست کرده‌اند، عزّتی است بدون جهت (طباطبایی، ج ۲، ص ۹).

جَبَلهٔ مکّیّه از میثم تمّار روایت می‌کند که گفت: «*به خدا قسم این امت، پسر دختر پیغمبر خود را در روز دهم ماه محرّم می‌کشند، بعداً دشمنان خدا روز شهادت حسین را روز خیر و برکت می‌دانند! این موضوع عملی خواهد شد. من این خبر را از آن عـهدی می‌دانم که مولای من علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام با من بست. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به من خبر داد که هر چیزی برای مظلومیّت حسین گریه خواهد کرد.*» جبله در ادامه می‌گوید که به میثم گفتم: «*چگونه مردم آن روزی را که امام حسین در آن شهید مـی‌شود، روز خـیر و برکت قرار می‌دهند؟*» میثم با حالت گریان گـفت: «*بـه جـهت آن حـدیث سـاختگی کـه می‌گویند: خدا در چنین روزی توبهٔ حضرت آدم را قبول کرد. نیز می‌پندارند که خدا توبهٔ حضرت داوود را در چنین روزی پذیرفت؛ در صورتی که خدا توبهٔ حضرت داوود را در ماه ذی‌حجّه پذیرفت. ایشان گمان می‌کنند، روز شهادت حسین، همان روزی است کـه کشتی نوح بر فراز کوه جودی قرار گرفت؛ در صورتی که کشتی نوح، در روز هیجدهم ماه ذی‌حجّه بر فراز کوه جودی نشست*» (صدوق، **علل الشرایع**، ج ۱، ص ۲۲۸)

برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام حاکی از آن است که روزهٔ روز عاشورا از بدعتهای بنی‌امیّه است، لذا نباید در آن روز روزه گرفت. اینک برخی از آن احادیث:

الف) زراره از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که بـه او فـرمود: «در روز عـاشورا روزه نگیر...!» (کلینی، ج ۴، ص ۱۴۶؛ طوسی، **تهذیب‌الأحکام**، ج ۴، ص ۳۰۰)

ب) امام صادق علیه‌السلام درباره روزهٔ روز عاشورا فرمود: «افراد آل زیاد به سبب قتل

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

حسین، در روز عاشورا روزه می‌گیرند. آن روز روزه ندارد و نباید به آن برکت جست؛ دشمنان ما به آن برکت می‌جویند. هر کس روز عاشورا را روزه بدارد یا به آن تبرّک جوید، خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که قلبش مسخ شده و روز قیامت به همراه کسانی محشور می‌شود که آن بدعت را گذاشتند و به آن تبرک جستند.» (کلینی، ج۴، ص ۱۴۶ و ۱۴۷)

ج) زراره از امام صادق علیه‌السلام درباره روزهٔ عاشورا پرسید، امام فرمود: «هر کس آن روز را روزه بگیرد، بهره‌اش از روزه، همان بهرهٔ ابن‌مرجانه و آل زیاد خواهد بود.» زراره گفت: «بهرهٔ آنها از روزهٔ آن روز چیست؟» فرمود: «آتش». (همان، ص ۱۴۷)

د) از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ روزه گرفتن در روز عاشورا پرسیدند، آن حضرت در پاسخ فرمود: «روز عاشورا روز شهادت امام حسین علیه‌السلام است. اگر می‌خواهی از بلایی که به امام حسین وارد شده اظهار خشنودی کنی، در روز عاشورا روزه بگیر! بنی‌امیّه نذر کردند که اگر حسین کشته شود و مقام خلافت، نصیب آل ابوسفیان گردد، روز عاشورا را برای خود عید قرار دهند و آن روز را برای شکرگزاری روزه بگیرند.» (طوسی، امالی، ص ۶۶۷)

۳ـ۵) نجات عوج غول پیکر

آقای برینر می‌نویسد: عوج غول پیکر، از جمله افرادی بود که در جریان طوفان نوح از هلاکت نجات یافت. وی که پسر عَنَق بود، آن قدر قامتش بلند بود که آب از سرش نگذشت. (Brinner, « Noah », «vol.3» ,p.543)

۳ـ۵ـ۱) نقد

داستان نجات یافتن عوج غول پیکر ساختگی است؛ زیرا وی اصلاً در زمان حضرت نوح علیه‌السلام وجود نداشته است. این داستان از ساخته‌های زنادقهٔ اهل کتاب است. آنان از این رهگذر، خواسته‌اند رسولان الهی و پیروانشان را به تمسخر بگیرند. داستان‌سرایان با سوءاستفاده از سادگی عوام، قصصی نظیر داستان نجات

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

یافتن عوج غول پیکر را در میان آنان منتشر ساخته‌اند (ابن‌قتیبه، ص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ آلوسی، ج۶، ص ۸۶؛ ابو شهبه، ص ۱۸۶ ـ ۱۸۷؛ مطهری، **سیری در سیره نبوی**، ص ۱۳۸ ـ ۱۴۰؛ دیاری، ص ۲۳۹). به فرض آنکه بپذیریم عوج غول پیکر در زمان حضرت نوح وجود داشته، باز هم قصّهٔ نجات یافتن او ساختگی است؛ زیرا در داستان عوج غول پیکر، می‌خوانیم که وی کافر بود و از سوار شدن بر کشتی خودداری کرد؛ زیرا در داستان حضرت نوح علیه‌السلام آن حضرت کافران قومش را نفرین کرد و از خداوند خواست: ﴿**لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا**﴾ (نوح(۷۱) / ۶)و خداوند درخواست نوح را اجابت فرمود: ﴿**فَأَنجَيْنَاهُ وَ مَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ* ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ**﴾ (شعراء(۲۶)/ ۱۱۹ ـ ۱۲۰) از آیات مذکور به دست می‌آید که کافران قوم نوح از میان رفتند. پس عوج غول پیکر که از کافران بوده، در جریان عذاب قوم نوح به هلاکت رسیده است.

۴ـ نتیجه

مقالهٔ نوح دارای نکات مثبتی؛ است از آن جهت که آقای برینر، نقلهای روایی در مورد داستان نوح را به خوبی گزارش کرده است. وی برای ارائهٔ اطّلاعات درباره نوح، از کتابهای قصصی چون: قصص الانبیاء کسایی، قصص طرفی اندلسی و عرائس المجالس ثعلبی سود جسته است. این آثار، مشحون از اسرائیلیّات است. پرواضح است که اسرائیلیّکات تا چه حد بی‌پایه‌اند. همین امر سبب بی‌اعتبار شدن برخی از مطالب این مقاله شده است. آقای برینر در نقل داستان نوح، بسیار اندک از کتب معتبر روایی و تفسیری استفاده کرده است و از همه مهم‌تر آنکه از منابع شیعی استفاده نکرده است. استفاده نکردن از منابع شیعی، مشکل عمده‌ای است که نه تنها در پژوهش او، بلکه در پژوهشهای بسیاری از خاورشناسان نیز به چشم می‌خورد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. تحقیق: علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۲. ابن‌جوزی، عبدالرحمن. **الموضوعات**. بیروت: دارالفکر، بی تا.

۳. ابن‌قتیبه، عبدالله‌بن مسلم. **تاویل مختلف الحدیث**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۴. ابن‌کثیر، إسماعیل‌بن عمر. **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق محمّد حسین شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.

۵. ابوشهبه، محمّد. **الاسرائیلیات والموضوعات فی کتب التفسیر**. دارالجیل، ۱۴۱۳ ق.

۶. أبوالفتوح رازی، حسین‌بن علی. **روض الجِنان و رَوح الجَنان فی تفسیر القرآن**. (تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی). تحقیق محمّد جعفر یاحقی و محمّد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.

۷. دیاری. محمّد تقی. **پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن**. دفتر پژوهش ونشر سهروردی، ۱۳۷۹ ش.

۸. صدوق. محمّدبن علی بن بابویه. **الأمالی**. انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

۹. ـــــــــــــــ **علل الشرائع**. قم: مکتبه الداوری، ۱۳۸۶ ق.

۱۰. ـــــــــــــــ **عیون أخبار الرضا**. تهران: منشورات جهان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. ـــــــــــــــ **معانی الأخبار**. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۱۲. طباطبایی، محمّد حسین. **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۱۳. طبرسی، فضل‌بن حسن. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱۴. طوسی، محمّدبن حسن. **الأمالی**. تحقیق: مؤسسه البعثه. قسم الدراسات الإسلامیه. قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.

۱۵. ــــــــــــ. **تهذیب الأحکام**. تحقیق: سیّدحسن موسوی خراسانی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۱۶. عبدالباقی، محمّد فؤاد. **معجم المفهرس لالفاظ القرآن**. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۴ ق.

۱۷. قرطبی، ابو عبدالله محمّدبن احمد. **الجامع لأحکام القرآن**. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.

۱۸. کلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش،

۱۹. المجلسی، محمّد باقر. **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۲۰. مطهری، مرتضی. **حماسه حسینی**. انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ ش.

۲۱. ــــــــــــ **سیری در سیره نبوی**. انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ ش.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۳. معرفت، محمّد هادی. **تنزیه الانبیاء**. تنظیم و ویرایش خسرو تقدسی‌نیا. نشر ائمّه، ۱۳۸۹ ش.

۲۴. Brinne, William, <<Ararat>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2001.

۲۵. ----------;<<Election>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill,

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]

2002.

۲۶. ----------,<<Harut and Marut>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2002.

۲۷. ----------,<<Judi>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill,2003.

۲۸. ----------,<<Noah>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2003.

۲۹. ----------,<<People of the Heights>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2004

۳۰. ----------,<<Tuwa>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2006.

۳۱. Lewinstein, Keith, <<Commandments>>, Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2001.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.12.8]